

خلاصه اجرایی طرح پژوهشی:

بررسی ابعاد حقوقی و مدیریتی ماده ۴۹ قانون برنامه چهارم توسعه و تدوین راهکارهای اجرایی تحقق مفاد آن

طرح مسأله:

قانونگذار در پیش‌بینی ماده ۴۹ برنامه چهارم توسعه کشور موضوع مهم «خودمختاری دانشگاهها» را مدنظر قرار داده است. این موضوع که پس از مباحثات طولانی و کشدار دهه گذشته در درون جامعه دانشگاهی کشور در نهایت به تصویب این ماده قانونی منجر شد، نیازمند تمهید زیرساخت‌های مدیریتی، حقوقی و فنی و حتی فرهنگ‌سازی در این زمینه است. صرف‌نظر کردن از این پیش‌نیازها و تمهیدات، این فرصت را به آمیزه‌ای از «فرصت و تهدید» مبدل ساخته است. تحقق مفاد این ایده مستلزم تغییر رویکرد دولت به کارکردها و وظایف و جایگاه دانشگاهها، یکپارچه‌سازی و رفع تعارض در قوانین و مقررات گذشته، نیازسنجی برای تدوین و پیش‌بینی قوانین و مقررات مناسب با ایده استقلال دانشگاهها و مشخص نمودن حیطه اختیارات محلی و سازمانی و اختیارات متمرکز دولت و وزارت علوم، تحقیقات و فناوری است. در چنین صورتی است که می‌توان ضمن رهایی سازمان مراکز علمی از دیوان‌سالاری متمرکز و ناکارآمد اداری و مالی، نقشهای جدید وزارت را در قلمرو نظارت، ارزیابی و سیاست‌گذاری تعریف نمود.

اهمیت مسأله به حدی است که برخی کارشناسان تحول جدید را به مثابه تأسیس یک «دولت محلی» برای هر مرکز علمی تعبیر نموده‌اند، یعنی تأسیس یک واحد مدیریتی با قوانین استخدامی و مالی منحصر به فرد که حاکی از خودمختاری (Autonomy) در اکثر زمینه‌های فعالیت است. در شرایط حاضر چنانچه دانشگاهها با بهره‌مندی هرچه بیشتر از اختیارات هیأت‌های امناء و تقویت کمیسیون‌های دائمی نتوانند نسبت به وضع و تصویب قوانین و مقررات جدید بموقع اقدام کنند در وضعیت «خلاء قانونی» به سر خواهند برد. وضعیتی که تداوم آن برای دانشگاهها و مؤسسات پژوهشی خسارت‌بار خواهد بود.

در این پژوهش تلاش می‌شود اصلی‌ترین مسایل و مشکلات در مسیر تحقق کامل مفاد ماده ۴۹ قانون برنامه چهارم کشف و راهکارهای پیشنهادی با هر مشکل تدوین شود

تعریف:

استقلال دانشگاهی به مفهوم حق خودگردانی در طول دهه های گذشته روند پرفراز و نشیب و رو به رشدی داشته است. مفهوم استقلال دانشگاهی عبارت است از "برخورداری از آزادی و عدم پابندی به مقررات دست و پاگیر دیوانسالارانه دولتی در ارتباط با سازمان داخلی دانشگاه، مدیریت آن، توزیع داخلی منابع مالی، کسب درآمد از منابع غیرعمومی، استخدام کارکنان، شرایط تحصیل و بالاخره برخورداری از آزادی در مورد چگونگی تدریس و پژوهش".

همانگونه که ملاحظه می شود دو مفهوم فرعی دیگر یعنی استقلال مالی و آزادی علمی Academic Freedom نیز از درون مفهوم استقلال دانشگاهی استخراج می شود. در تحقیق حاضر ناگزیر سه مفهوم مستقل را در نظر قرار می دهیم. هر یک از این مفاهیم نیز دارای مولفه های فرعی است که با توجه به مروری که بر ادبیات موضوع داشتیم به شرح زیر احصا می شوند:

۱. استقلال مالی شامل:

استقلال در تامین درآمدها و منابع مالی (مالیات- شهریه و ...)

استقلال در مصرف و هزینه کرد منابع مالی

۲. خودگردانی اداری شامل:

استقلال در تعریف اهداف و سیاست ها

آزادی عمل در توسعه یا کاهش تشکیلات و پست های سازمانی (سازماندهی داخلی مراکز تابعه)

تعیین حقوق و مزایای کارکنان و اعضای هیأت علمی

استقلال در استخدام و ارتقا و تعیین شرایط کار کارکنان و اعضای هیأت علمی

آزادی عمل در تعیین معیارهای جذب و گزینش دانشجو

آزادی عمل در طراحی و تصویب و ارائه برنامه های درسی

استقلال در برنامه ریزی آموزشی

آزادی عمل در تدوین معیارها و روش ارزیابی برنامه های اداری و علمی

۳. آزادی (استقلال) علمی شامل:

توسعه استخدام رسمی و امنیت شغلی استادان

آزادی بیان و نقد

پژوهش بدون ممیزی

آزادی در انتشار نتایج پژوهش ها

آزادی در مقام تدریس (در کلاس درس)

آزادی در تشکیل انجمن های حرفه ای و صنفی توسط استادان

بنابراین خود مختاری آکادمیک که در این پژوهش گاهی از آن به استقلال یا خودگردانی دانشگاهی هم یاد شد، دارای چهار مؤلفه و بُعد مهم است که با همدیگر رابطه هم افزا (Sinergic) دارند. خودگردانی اداری، استقلال مالی، استقلال علمی و استقلال در ارتباطات ملی و بین المللی. بعد چهارم مؤلفه جدیدی است که به لحاظ شرایط خاص ایران به الگوی سه وجهی رایج در ادبیات نظری افزوده شد. استقلال اداری و استقلال مالی موجب رهایی دانشگاه از قید و بند مقررات و دیوان سالاری دولتی می شود این فاصله گرفتن از ساختار دولتی قدرت علمی و نقادی دانشگاه و استقلال عمل این نهاد تأثیر گذار را بر جریان تفکر و اندیشه و تولید علم ارتقا می دهد. با توسعه استقلال علمی متقابلاً جامعه علمی خواهان خودگردانی اداری و مالی بیشتر می شود و این فرآیند متقابل نهایتاً به بلوغ مدیریتی مراکز علمی منتهی می شود.

هدف تحقیق:

اهداف عمده تحقیق حاضر عبارتند از:

- ۱- شناسایی عمده ترین مسایل و مشکلات پیش رو در جهت تحقق کامل مفاد ماده ۴۹ قانون برنامه چهارم توسعه (با تأکید بر بند الف و ب آن)
- ۲- کشف و دسته بندی راهکارهای اجرایی متناظر برای حل مشکلات موجود
- ۳- ایجاد عرصه ای برای انتقال تجارب عملی دانشگاهها به یکدیگر در جهت تحقق مفاد ماده ۴۹
- ۴- در نهایت کمک فکری برای توانمندسازی دانشگاهها برای غلبه بر مسایل و مشکلات موجود.

سؤالات تحقیق:

- ۱- اصلی ترین مسایل و مشکلات در مسیر تحقق کامل مفاد ماده ۴۹ قانون برنامه چهارم توسعه چیست؟
- ۲- چه راهکارهایی برای غلبه بر این مسایل و مشکلات وجود دارد؟

روش تحقیق:

این تحقیق یک مطالعه اکتشافی زمینه یاب از نوع کیفی است.

در بخش ادبیات نظری از روش مطالعه اسنادی (Documental Method) بهره گرفتیم و در کنار آن تجربه چند کشور را در زمینه استقلال دانشگاهی بررسی و مرور کردیم. در بخش دیگر به منظور مسأله یابی (کشف عمده ترین مسایل و مشکلات تحقق ماده ۴۹) از روش مصاحبه عمیق (Focus groups interview) بهره جستیم. زیرا موضوع استقلال دانشگاهی در ایران موضوعی غیر ساخت مند و پیچیده است. روش مصاحبه برای مطالعات عمیق، ژرفانگر و موردی روش مناسبی است. زیرا تعداد افراد مورد مطالعه محدودند. بنابراین وسعت جامعه کم ولی عمق مطالعه بسیار زیاد است و محقق بخوبی می تواند اعماق و زوایای موضوع مورد مطالعه را بکاود هدف مصاحبه عمیق با گروههای متمرکز بررسی تأثیر یک رویداد یا یک تجربه شخصی بر روی کسانی است که در آن حضور یا مشارکت داشته اند. در این حالت مصاحبه کننده مثل بررسی پرسشنامه ای، فهرستی از پرسشهای از پیش آماده در اختیار ندارد، بلکه آنچه در اختیار دارد، فهرستی از نکات دقیق درباره مضمون بررسی است.

از نظر مؤلفان روش تحقیق این روش برای هدفهای زیر مناسب است:

- تحلیل معنایی که کنشگران به اعمالشان و رویدادهایی که با آنها روبرو هستند می دهند.
- تحلیل یک مسأله دقیق اجتماعی، داده هایش، بازتابهایش، دیدگاههای مربوط به آن، نظام های روابط، کارکرد یک سازمان و غیره.
- بازسازی فرآیندهای کنش، تجربیات یا رویدادهای گذشته

جامعه آماری و حجم نمونه:

جامعه آماری تحقیق مدیران و خبرگانی هستند که در عرصه عمل به نوعی با اجرای مفاد این ماده درگیر بوده اند. هم چنین کلیه دانشگاهها و مؤسسات پژوهشی دولتی بعنوان سازمانهای ذی نفع در تحقق ماده ۴۹ مخاطب این تحقیق در جمع آوری داده بوده اند.

در بخش مصاحبه عمیق با گروههای متمرکز (Focus groups interview) چهار صنف (طیف) مختلف مخاطب قرار گرفتند و نمونه غیر احتمالی (انتخابی و موردی) با هماهنگی و موافقت مؤسسه (کارفرما) انتخاب و مصاحبه شدند.

نمونه ای از یافته ها:

میزان اهمیت مسائل از دیدگاه پاسخگویان

در مسیر مطالعات اسنادی و پس از آن فرآیند انجام مصاحبه عمیق با گروههای متمرکز، ۱۴ مسأله یا مشکل مهم در جهت تحقق مفاد ماده ۴۹ قانون برنامه چهارم توسعه کشور کشف و دسته‌بندی شد. ایده‌ها و راهکارهای مستخرجه از نظر ماهیت کیفی است اما می‌توان با یک بررسی کوتاه کمی، فراوانی (بسامد) این ایده‌ها را نیز طبقه‌بندی کرد. این بسامدها می‌تواند نشان دهد، کدام مسأله (مشکل) از نظر پاسخگویان اهمیت بیشتری داشته است و یا اینکه شایسته‌ت عطف توجه بیشتری در مقطع زمانی فعلی بوده است. (بدلیل اینکه این مسأله جاری و مبتلا به است) جدول زیر ترتیب و اهمیت مسایل و مشکلات را از نظر پاسخگویان نشان می‌دهد.

جدول ترتیب اهمیت مسایل از نظر توجه مخاطبان و حجم ایده‌ها و راهکارها

رتبه	مسأله یا مشکل	بسامد ایده‌های مرتبط		
		پرسشنامه	مصاحبه‌ها	جمع کل
۱	ابهام در ضوابط بنیادین برای تصویب آئین‌نامه جدید استخدامی کارکنان و اعضای هیأت علمی	۵۳	۱۹	۷۲
۲	ابهام در نحوه نظارت دیوان محاسبات و شمول یا عدم شمول دانشگاهها با توجه به اصل ۵۵ قانون اساسی	۴۰	۱۴	۵۴
۳	سایر مشکلات	۳۲	۱۸	۵۰
۴	ابهام در ضوابط بازنگری تشکیلات و پست‌های سازمانی و بار مالی آن	۴۰	۸	۴۸
۵	نحوه پاسخگویی رئیس دانشگاه در قبال نهادهای نظارتی	۳۶	۱۱	۴۷
۶	تراکم زیاد فعالیت در هیأت امناء و لزوم بازنگری و تقویت ساختار آن	۲۳	۱۸	۴۱
۷	ابهام در نحوه تملک دارایی‌های سرمایه‌ای و انتقال یا فروش آنها	۳۰	۷	۳۷
۸	لزوم گسترش رابطه با صنعت و بازار و جذب منابع جدید	۳۶	-	۳۶
۸	فقدان مدیران مالی قوی	۳۲	۴	۳۶
۹	مشکلات تدوین آیین‌نامه مالی - معاملاتی جدید (ضوابط کلی و بار مالی آن)	۱۱	۱۲	۲۳
۱۰	مشکلات طراحی و تدوین سیستم بودجه‌بندی عملیاتی و محاسبه بهای تمام شده خدمات و استقرار سیستم حسابداری تمام شده	۲۶	۵	۳۱
۱۱	مشکل کاهش نظارت برنامه‌ای وزارت علوم و سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی	۲۵	۵	۳۰
۱۲	مشکلات طراحی سیستم ارزیابی عملکرد جدید	۲۶	۱	۲۷
۱۳	ابهام در سیستم گزارش‌گیری مالی	۲۵	۱	۲۶
۱۴	آشفستگی یا تعارض در قوانین و مصوبات	۲۲	۲	۲۴
	جمع کل ایده‌ها و راهکارها	۴۵۷	۱۲۵	۵۹۲

هدف از انجام این تحلیل محتوا (context analysis) بررسی نگرشی و رویکرد دانشگاه‌های مختلف نسبت به مقوله خود مختاری است. معیار امتیاز دهی عبارت بود از میزان اعتقاد و اصرار پاسخگویان به مفهوم کلیدی استقلال و میزان دوری و یا نزدیکی مضامین بکار رفته در پاسخها نسبت به این مفهوم کلیدی.

نشانگرهای زیر نشان از دوری مراکز علمی از ایده خود مختاری و استقلال دارد. این نشانگرها معیار داوری برای دادن امتیاز به هر پرسش قرار گرفت.

۱. تمایل به استمرار نظارت های سنتی

۲. اتکا به وزارت علوم و سازمان مدیریت و سایر سازمانها در

تدوین مقررات در عین حال که ماده ۴۹ این اختیار را به

هیأت های امنای تفویض نموده است.

۳. تمایل به تمرکز

۴. تمایل به یکسان سازی در عین حال که روح ماده ۴۹ تنوع را

پذیرفته است.

جهت عکس این نشانگرها نیز برای معیار نزدیکی به مفهوم خود مختاری و استقلال معیار ارزیابی و داوری قرار گرفته است.

در طیف سه بعدی که جمع امتیازات هر ۱۵ پرسش تشکیل داد، دو گروه شاخص در دو سر انتهای طیف قرار گرفتند: دانشگاهها و مؤسسات پژوهشی با امتیازات بالا که خواهان حداکثر استفاده از اختیارات تفویضی (استقلال) هستند و دانشگاهها و مؤسسات پژوهشی که تمایل چندانی به این امر نشان نداده اند و پایین ترین امتیاز را کسب نموده اند.

نمونه ای از این مراکز با ذکر امتیاز مکتسبه در زیر می آید:

طیف بندی میزان گرایش دانشگاهها به خودمختاری و استقلال و استفاده از اختیارات ماده ۴۹

ردیف	امتیازات بالا (گروه اول)	امتیاز	امتیازات پایین (گروه دوم)	امتیاز
۱	دانشگاه علم و صنعت	۲/۷۵	دانشگاه زابل	۱/۲
۲	دانشگاه صنعتی اصفهان	۲/۶۹	دانشگاه صنعتی شاهرود	۱/۳۳
۳	دانشگاه فردوسی مشهد	۲/۶۷	دانشگاه ملایر	۱/۴
۴	دانشگاه خواجه نصیر طوسی	۲/۵	دانشگاه بیرجند	۱/۶
۵	دانشگاه تبریز	۲/۵	دانشگاه کاشان	۱/۶
۶	دانشگاه تربیت مدرس	۲/۵	دانشگاه سمنان	۱/۶۴

مقایسه گروه اول و دوم در جدول فوق که صرفاً برای نمونه از هر گروه ۶ مرکز علمی درج شده است نشان می دهد تفاوت معنی داری بین دو گروه مشهود است.

دانشگاهها و مراکز پژوهشی گروه اول عمدتاً مراکز توسعه یافته و گروه دوم در حال توسعه اند. بنابراین دانشگاههای در حال توسعه، آمادگی کافی برای خود مختاری در قلمرو مدیریتی، اداری و مالی را ندارند و می بایست در مقابل آسیب های ناشی از خود مختاری کوتاه مدت، توانمند شوند و کمک های فکری، آموزشی، برنامه ریزی و تقنینی دریافت نمایند.

روند استقلال و خود گردانی دانشگاهی در ایران روندی پرفراز و نشیب بوده و رویکردهای گوناگون مدیریتی بعنوان اصلی ترین عامل همواره نگاهی با دیدۀ تردید به آن داشته اند. در تحقیق حاضر سه دوره مشخص زمانی در رابطه با این روند تشریح شد: ۱- دوره قبل از سال ۱۳۵۸، ۲- دوره ۱۳۵۸ لغایت ۱۳۶۷، ۳- از تصویب قانون تشکیل هیأت های امنای تاکنون.

با عنایت به داده های کیفی تحقیق حاضر باید اذعان کرد که نوع و ماهیت خود مختاری و استقلال دانشگاهی اولاً: استقلال تام نیست بلکه نسبی است. ثانیاً: منظور از Autonomy هیچگاه به معنای استقلال از دولت (استقلال سیاسی) نیست.

اگر این سوء تفاهم مرتفع شود، راه برای نهادینه کردن ماده ۴۹ بسیار هموار خواهد شد. نگاهی به متن ماده ۴۹ قانون برنامه چهارم توسعه نشان می دهد این ماده قانونی هر چند در حد کلیات

باقی مانده است. اما ابهامی در آن وجود ندارد. بلکه ابهامات بیشتر- به موانع اجرایی بر می گردد و کمتر ارزش تئوریک دارند. ریشه این ابهامات در این است که:

الف- در بطن استقلال نهادی مرتبه ای از استقلال از حوزه سیاسی هم نهفته است ولی اصل تفکیک نهادی لزوماً به اقتدار دولت صدمه نمی زند. این بستگی به روشها و سازوکارهای فرآیندی خود مختاری دارد.

ب - خود مختاری دانشگاهی در ایران با توجه به پیچیدگیهای محیط اجتماعی و سیاسی ایران کار دشوار، عظیم و پرمشقتی است. مبهم جلوه دادن ماده ۴۹ ریشه در این دشواریها دارد نه در ذات و عبارات حقوقی ماده ۴۹

ج - نظام های سنتی نظارتی که ریشه در دیوان سالاری دولتی دارند حتی زمانی که حذف یا تعدیل می شوند میل به بازگشت دارند. در صورت خلاء سیستم های نظارتی جدید و جایگزین این تمایل تشدید هم می شود.

د - نظام اداری در ایران یکپارچه است و مرحله گذار از سیستم متمرکز به غیر متمرکز با پیچیدگیها و مشکلاتی همراه است این پیچیدگی ها هم ربطی به روح ماده ۴۹ ندارد بلکه بیشتر مربوط به محیط تغییر است نه برنامه تغییر. برنامه تغییر کاملاً روشن است: رهایی دانشگاه از قید و بند بوروکراسی متصلب و غیر منعطف!

در فرآیند این پژوهش ۶ جنبه از ابعاد و تأثیرات ماده ۴۹ واکاوی شد که سه مورد آن مدیریتی و سه مورد آن حقوقی است. ابعاد مدیریتی عبارتند از:

۱- توسعه عدم تمرکز سازمانی ، ۲- آغاز یک برنامه تغییر در آموزش عالی کشور با محوریت خود مختاری و استقلال دانشگاهها ، ۳- آغاز روند مقررات زدایی ابعاد حقوقی آن نیز عبارتند از: ۱- تبدیل شدن دانشگاهها از مراکز کاملاً دولتی به مؤسسه عمومی مستقل، ۲- تبدیل شدن دانشگاهها به سازمانهای دارای مقررات خاص (خروج از شمول تبصره ۲ ماده ۸ قانون استخدام کشوری و تبصره ماده ۱۱۲ این قانون) ۳- الزام آور بودن مصوبات هیأت امنای با تصریح بیشتر. ملاحظات مهم و راهبردی مرتبط با هر یک از ابعاد یاد شده در متن پژوهش آمده است.

جمع بندی ابعاد و آثار حقوقی و مدیریتی ماده ۴۹ قانون برنامه چهارم توسعه

ابعاد/آثار	مؤلفه	تعریف	ملاحظات مهم راهبردی و اجرایی
ابعاد و آثار حقوقی	تبدیل شدن دانشگاهها از مراکز کاملاً دولتی به مؤسسه عمومی مستقل	مؤسسه عمومی مستقل به سازمانهایی اطلاق می شود که دارای شخصیت حقوقی جدا از دولت بوده و به صورت یک واحد سازمانی مستقل ، خدمت عمومی معینی را زیر نظر خود اداره می کنند.	<ul style="list-style-type: none"> - فلسفه تشکیل مؤسسات عمومی مستقل این است که این مؤسسات از جریان عادی وزارت خانه خارج و به صورت کم و بیش مستقل اداره شوند. بنابراین از این امکان باید در کسب استقلال نسبی حداکثر استفاده را به عمل آورد. - مزایای مؤسسه عمومی دارا بودن شخصیت حقوقی مستقل، استقلال اداری و مالی، جلب هدایا و کمک های مردمی و موقوفات و دوری از اعمال نفوذ و کشمکش های سیاسی و اداری است. دانشگاهها می توانند از این پتانسیل بالقوه حداکثر استفاده را به عمل آورند.
	تبدیل شدن دانشگاهها با سازمان با مقررات خاص پس از قانون تشکیل هیأت‌های امناء مصوب شورای عالی انقلاب فرهنگی و تأکید ماده ۴۹ بر آن	این سازمانها مشمول تبصره ۲ ماده ۸ قانون استخدام کشوری و تبصره ماده ۱۱۲ این قانون نبوده و در مسایل مالی و معاملاتی و اداری و استخدامی از قانون خاص خود تبعیت می کنند	<ul style="list-style-type: none"> - عملیاتی کردن ظرفیت های قانونی موجود در قوانین خاص مصوب هیأت های امناء دانشگاهها و مراکز آموزش عالی و پژوهشی - حفظ اطمینان از عدم تعارض مصوبات و مقررات با قوانین مادر و قوانین جاری
	لازم الاجرا بودن مصوبات هیأت‌های امناء	تصمیماتی که از طرف مقامات اداری در حدود صلاحیت آنها اتخاذ می شود برای افراد الزام آور است و عدم اطاعت از تصمیمات و احکام اداری قابل تعقیب و مجازات است. این مصوبات در حکم قانون است	<ul style="list-style-type: none"> - در تدوین آیین نامه های اجرایی به قوانین استناد شود و در تدوین آیین نامه های مستقل به اختیارات هیأت های امناء و در هر حال مراعات حدود صلاحیت اداری هیأت های امناء با مشورت حقوقدانان ضرورت دارد.
	عدم تمرکز سازمانی	پراکندن اختیار تصمیم گیری در یک ساختار سازمان یافته	<ul style="list-style-type: none"> - توجه به ویژگی یکپارچگی نظام اداری در ایران و لزوم نهادینه شدن ایده عدم تمرکز در کل ساختار اداری - لزوم تغییر نگرش های تمرکز گرا و خطر بازگشت تدریجی به وضع سابق - مرحله بندی فرآیند تفویض اختیار و سعی در تفویض تصمیمات مهم تر و بنیادی - ارتقاء سطح اعتماد به زیردستان و لایه های پایین تر آموزش عالی و دادن فرصت اشتباه به آنان - تقویت سازوکارهای نظارتی معقول در ستاد وزارت - پرهیز از آفات عدم تمرکز

تعریف تغییر بر مبنای فرآیندهای آن عبارت است از:
خروج از انجماد فعلی، تحول براساس هدفهای جدید و تثبیت
تخلیجی عا خارجی و متغیرهای فرا

آغاز یک برنامه تغییر در آموزش عالی
کشور (استقلال و خودگردانی)

جمع بندی:

با اتکا به داده های این پژوهش ماده ۴۹ یک فرصت طلایی برای نظام علم و فناوری کشور است که جامعه علمی کشور خواهان استفاده حداکثری از ظرفیت های قانونی نهفته در آن است. البته این تمایل در دانشگاه های قدیمی و توسعه یافته بیشتر است. دانشگاه های در حال توسعه برابر داده های موجود استقلال را نفی نکرده اند بلکه خواهان کمک دولت برای توانمند سازی و آمادگی برای خودگردانی هستند. بنابراین در راهکارهای آتی یک بسته توانمندساز مشتمل بر مشاوره و آموزش و مکانیزم تبادل اطلاعات و تجارب پیشنهاد گردید تا این دسته از دانشگاهها نیز بتوانند با آسیب کمتری دوران گذار از الگوی متمرکز به الگوی عدم تمرکز را طی کنند.

بر مبنای داد های کیفی موجود کاهش نقش تصدیگرانه و عملیاتی و اجرایی ستاد وزارت و ارتقاء نقش سیاست گذاری (Policy-making)، هماهنگی و نظارت قطعی و ضروری است. با توجه به شباهت مفاد سیاست های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی و ماده ۴۹ ادغام کمیته پیگیری اصل ۴۴ و ستاد تحولی که باید در راستای نهادینه سازی ماده ۴۹ تلاش کند می تواند مطرح شود. با توجه به ابعاد وسیع این برنامه تغییر، یا می بایست ستاد تحول با اختیارات وسیع در سطح وزارت خانه تأسیس شود یا دایره اختیارات ستاد تحول اداری موجود توسعه و از نظر اعضا تقویت شود تا بتواند اهداف مهم ماده ۴۹ و اصل ۴۴ جامعه عمل بپوشد، نظام های جدید مدیریتی را تدوین و اجرا و برای مقاومت در برابر تغییر برنامه داشته باشد.

پیشنهادات این تحقیق در دو بخش ارائه شده است:

الف: راهکارهای اجرایی و خرد متناسب و متناظر با هر مشکل که به صورت مبسوط در فصل مربوط به یافته های تحقیق آمده است.

ب: برنامه های پیشنهادی که در قالب ۱۱ برنامه مستقل به شرح زیر جهت تدوین تفصیلی و اجرا توصیه می شوند.

در هر برنامه، هدف، دلایل توجیهی، متولیان اقدامات اساسی و ... درج و پیش بینی شده است.

عناوین این برنامه ها عبارت است از:

۱. دائمی کردن مفاد ماده ۴۹ (استقلال و خودگردانی دانشگاهها)
۲. تأسیس دفتر تنقیح و یکپارچه سازی قوانین و مقررات آموزش عالی
۳. تأسیس و راه اندازی بانک اطلاعات قوانین و مقررات آموزش عالی و مصوبات هیأت های

امناء

۴. شفاف سازی نحوه نظارت دیوان محاسبات بر دانشگاهها
۵. نوسازی دیدگاههای مدیران عالی و میانی مرتبط با نظام علمی کشور در خصوص خودمختاری دانشگاهی
۶. تأسیس کلینیک حقوقی برای رسیدگی به فوریت های حقوقی دانشگاهها و مؤسسات آموزش عالی
۷. توسعه و تقویت ستاد تحول اداری وزارت در راستای اجرای سیاست های اصل ۴۴ قانون اساسی و ماده ۴۹
۸. تأمین، جذب و آموزش مدیران مالی قوی و کارآمد و ارتقای کارآمدی بخش های مالی دانشگاهها و مؤسسات آموزش عالی و پژوهشی کشور
۹. توسعه و تجدید ساختار دفتر مرکزی هیأت امنای دبیرخانه هیأت امنای دانشگاه / مؤسسه
۱۰. تدوین آیین نامه اداری و استخدامی تیپ و جامع مبتنی بر ایده های جدید و قابلیت انعطاف
۱۱. تدوین سیستم جدید ارزیابی عملکرد مالی دانشگاهها